

اولین نفوذی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه کسی بود؟

۲۶ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۳۶

وی در زندان، تاریخ معاصر تدریس می کرد که از جمله شاگردان او می توان به بهزاد نبوی اشاره کرد. هر چند بهزاد نبوی بیشتر شاگردی شعاعیان دیگر چهره مشهور به روس گرایي را نموده است.

یکی از اولین مصداق هایی که از نفوذ در هر کشوری به ذهن متبادر می شود، بحث نفوذ از طریق جاسوسان است. قدمت جاسوسی از یک دولت شاید به قدمت وجود خود دولت برمی گردد و از هزاران سال قبل جاسوس و جاسوسی در بین کشورها وجود داشته است. پس از انقلاب اسلامی نیز دشمنان نظام اسلامی به دنبال جاسوسی از سازمان ها و مردم بودند و یکی از اولین جاسوس هایی که در کشور دستگیر شد، محمدرضا سعادت، از اعضای بلندپایه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، بود. وی در آن زمان متهم به جاسوسی برای شوروی شد و برای این اتهام خود به زندان افتاد. ادامه این ماجرای جالب را با هم مرور می کنیم.

*سعادت که بود؟

محمدرضا سعادت فرزند سید علی به سال ۱۳۲۳ در شیراز و در خانواده ای روحانی و کم بضاعت به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۱ با رتبه دوم و بورسیه دولتی در دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۵ در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد و به سربازی رفت و به عنوان سپاه ترویج آبادانی و مسکن در ایلام مشغول کار گردید. پس از پایان خدمت وظیفه در سال ۱۳۴۷ وارد کارخانه ذوب آهن اصفهان شد و سال بعد به دایره مهندسی ستاد نیروی هوایی منتقل شد و دو سال و نیم در آن مرکز به کار پرداخت. همزمان با کمک برادران جلال زاده، شرکتی تحت عنوان نولکو را به ثبت رساندند و از طریق جلال زاده با مهدی رضایی آشنا شد و به عنوان سمپات به همکاری با سازمان مجاهدین خلق پرداخت.

هر چند که پیش از آن در دوره دانشجویی با ناصر صادق آشنا شد و مدتی هم در برق منطقه ای شیراز همکاری کرد، اما سعادت در بازجویی عضویت خود را در تشکیلات مجاهدین مرتبط به مهدی رضایی (با نام مستعار بهروز همایونفر) می داند. سعادت همچنین در بازجویی علت گرایش خود به مبارزه علیه رژیم پهلوی را، اعدام ۲ تن از دوستان مارکسیستش به نام های اسماعیل معین عراقی و محمد هادی فاضلی می داند که در گروه سیاهکل فعالیت داشته اند.

بر اساس نظریه موجود در پرونده سعادت، حضور وی در ذوب آهن اصفهان زمینه ای برای ارتباط وی با کارشناسان شوروی

گردیده بود و از آن تاریخ توسط سرویس اطلاعاتی نشان شده بود.

سعادت از جمله کسانی است که از ضربه شهریور ۱۳۵۰ ساواک به سازمان مجاهدین در امان ماند، اما در اردیبهشت ۱۳۵۱ در پی دستگیری مهدی رضایی، سعادت به همراه همسرش ناهید جلال زاده دستگیر شدند. سعادت به حبس ابد محکوم شد و در زندان به کمون مسعود رجوی پیوست و به سید سیکو مشهور شد.

سعادت در زندان، تاریخ معاصر تدریس می نمود که از جمله شاگردان او می توان به بهزاد نبوی اشاره کرد. هر چند بهزاد نبوی بیشتر شاگردی شعاعیان دیگر چهره مشهور به روس گرایی را نموده است.

بهزاد نبوی

سعادت در ۲۲ آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و ۲۳ بهمن، زمانی که سازمان طی اطلاعیه ای علنی اعلام وجود کرد، در جمع کادر مرکزی ۱۵ نفره آن قرار گرفت. همچنین به عضویت هیئت مدیره شرکت نولکو بازگشت که شرکتی برای پوشش فعالیت های سازمان بود. وی در کنار این امور، طبق اقدامی برنامه ریزی شده به فعالیت در دادستانی انقلاب تهران نیز پرداخت. (۱)

مسعود حقگو از اعضای قدیمی سازمان مجاهدین در گفت و گویی با خسرو تهرانی اظهار داشته است: سعادت نزدیک ترین شخص به مسعود رجوی بوده است. وقتی تهرانی تأکید کرد که او شاید از موسی خیابانی هم به رجوی نزدیک تر بوده باشد، حقگو ضمن تأیید این مطلب، گفت: من احتمال قریب به یقین می دانم که در زندان از اواخر سال ۵۴ به بعد، سعادت نفر دوم سازمان محسوب می شد. (۲)

*کشف ارتباط سیکو و فیسینکو

در این دوره بود که با مأموران شوروی ارتباط گرفت اما خیلی زود لو رفت و هنگام در اختیار گذاشتن پرونده سر لشکر مقربی به ولادیمیر فنسینکو (دبیر اول سفارت شوروی) در شرکت نولکو در ۶/۲/۱۳۵۸ دستگیر شد. مقربی یکی از نظامیان عالی رتبه ارتش شاهنشاهی بود که مدت ۲۵ سال برای شوروی ها جاسوسی می کرد و در پاییز سال ۱۳۵۵ توسط اداره کل ضد جاسوسی (اداره کل هشتم) ساواک دستگیر شد و به سرعت محاکمه و اعدام گردید. دستگیری و اعدام سریع او در طی این سال ها برای مأمورین شوروی سؤال برانگیز بود که چطور مقربی لو رفت و چه اطلاعاتی در اختیار اداره کل ضد جاسوسی قرار داد.

عباس امیر انتظام در خاطرات خود گفته است:

«... در یکی از روزهای اسفند ۱۳۵۷ منشی من اطلاع داد که شخصی می خواهد به ملاقات من بیاید و یک مسئله امنیتی را در میان بگذارد. پس از توافق من مردی در حدود ۵۰ سال با قدی متوسط با لباس رسمی و کراوات به اطاقم آمد. من صندلی طرف راست

خودم را به او تعارف کردم. پس از نشستن به من گفت که کارمند و عضو اداره ضدجاسوسی ساواک است. طبق خبر او قرار است در ساعت ۵ بعد از ظهر امروز یکی از دیپلمات‌های سفارت شوروی به دیدن یک ایرانی در ساختمانی در میدان ۲۵ شهریور [۷] تیر فعلی] برود و چیزهایی را در اختیار فرد ایرانی قرار دهد؛ ضمناً گفت که طرف ایرانی عبدالعلی نامیده می‌شود. این فرد آمده بود تا کسب تکلیف کند.

مطالب را بلافاصله به اطلاع نخست وزیر رساندم. ایشان دستور داد که آن شخص مسئله را تعقیب کند، ولی آقای بازرگان از شنیدن نام عبدالعلی که نام یکی از فرزندانش بود، ناراحت شده بود. کارمند اداره ضدجاسوسی ساواک به کارش ادامه داد و روز بعد گزارش کارش را به من داد که به اطلاع نخست وزیر رساندم ... بعدها وی گفت که عبدالعلی را دستگیر کرده‌اند و نام واقعی این فرد محمدرضا سعادت است که با دستگاه‌های عکاسی مخصوص جاسوسی که از دیپلمات روسی دریافت کرده، دستگیر شده است. (نکته جالب درباره امیرانتظام این است که خود وی بعدها به جرم جاسوسی برای آمریکا محاکمه و به زندان محکوم شد)

عباس امیرانتظام

البته ابراهیم یزدی عامل گزارش اولیه را دکتر چمران معرفی نموده است اما آنچه مسلم است شناسایی اولیه وی توسط دولت موقت انجام گرفته است.

چگونگی دستگیری این جاسوس بلندپایه، همچون مقربی همچنان برای شوروی به صورت یک معما باقی مانده بود تا به جای حل معمای قبلی معمای دیگری نیز بر آن افزوده شود. این خلأ اطلاعاتی باقی بود تا آنکه سازمان مجاهدین انقلاب در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ برخی اسناد و خلاصه گزارش مأموریت سعادت و بخشی از اظهارات وی در بازجویی را منتشر کرد. در اسنادی که انتشار یافت نوع ارتباطات سعادت با واسطه اطلاعاتی سازمان جاسوسی شوروی و اسناد تحویل شده و درخواست‌های سعادت از وی فاش گردید. (۳)

*فیسینکو کیست؟

پس از پیروزی انقلاب، به دستور مستقیم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، ایستگاه B.G.K در تهران موفق شد در روز ۱۴ فوریه ۱۹۷۹ مطابق با ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ مستقیماً با مرکز رهبری دو سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق تماس بگیرد. مسئولیت این ارتباط به عهده ولادیمیر فیسینکو افسر شاخه اطلاعات سیاسی ایستگاه (مستقر در سفارت شوروی در تهران)، گذارده شد. وی به زبان فارسی، تسلط کامل داشت و با موهای مشکی و چشمان قهوه‌ای، شباهت فراوانی به ایرانی‌ها داشت.

ولادیمیر کیتووویچ فیسینکو دبیر اول سفارت شوروی و عضو B.G.K در رستف روسیه به دنیا آمد. او دانشجوی انستیتوی زبان‌های شرقی یک دانشگاه ایالتی مسکو بود که به فراگیری زبان فارسی و انگلیسی پرداخت. سپس بورسیه دانشگاه تهران را دریافت کرد.

فیسینکو به تاریخ نیز علاقه مند بود و یک مقاله در مورد نفت ایران نوشت. در سال ۱۹۶۴ با نینا نیکولا پونا پکلانیک که دانشجوی گروه عربی در همان انستیتو بود، ازدواج کرد. همسرش که دختر یک مقام نظامی عضو هیئت مدیره B.G.K بود به همراه فیسینکو به ایران آمد و منشی سفارت شوروی در تهران شد. (۴)

*گزارش دستگیری سعادت

قسمت‌هایی از گزارش چگونگی دستگیری و بازپرسی انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب به شرح ذیل است: ضمن مراقبت از اتومبیل سیاسی شوروی در مورخه ۵/۲/۵۸ مشاهده گردید که یک نفر مرد روسی از اتومبیل پیاده [شد] و در خیابان دیبا منشعب از خیابان روزولت وارد شرکت نولکو - که یک مؤسسه صنعتی است - گردید. در بررسی بعدی مشخص شد که مرد روسی به نام ولادیمیر فیسینکو؛ دبیر اول سفارت شوروی می‌باشد و مرد تماس‌گیرنده یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق است ... چون معلوم بود که رهبر مجاهدین در ساعت ۰۰/۱۷ مورخه ۶/۲/۵۸ و یا ۷/۲/۵۸ (در قرار ملاقات یدکی) با افسر اطلاعاتی شوروی - جهت مبادله اسناد و مدارک - ملاقات می‌نماید، لذا بررسی‌های لازم به عمل آمد و طی طرحی مأمورین سپاه پاسداران انقلاب هدایت شدند که ۵ دقیقه قبل از شروع ملاقات مأمورین به شرکت وارد [شوند] و مرد تماس‌گیرنده و مدارک را ضبط نمایند. ... پس از دستگیری مرد تماس‌گیرنده فیسینکو جهت ورود به شرکت نولکو مراجعه نمود ولی توسط مأمورین به او تکلیف شد که از شرکت خارج شود و فیسینکو بعد از خروج از شرکت، سوار اتومبیلی که توسط سه نفر مأمور شوروی هدایت می‌شد گردید و منطقه را ترک نمود. در بازرسی بدنی از مرد تماس‌گیرنده مشخص شد که مسلح به اسلحه کمری می‌باشد و نیز در جستجوی مقدماتی از وسایل شرکت یادداشتی که حاکی از همکاری این شخص با سرویس اطلاعات شوروی می‌باشد، به دست آمد.

اولین نفوذی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه کسی بود

در گزارش‌های منتشره از بازجویی‌ها آمده است که وی ضمن اعتراف به همکاری با سازمان جاسوسی شوروی در ایران و تحویل اسناد محرمانه، به اخذ وسایل و امکانات فنی آموزشی و الکترونیک و عملیاتی از سازمان جاسوسی شوروی اذعان نموده بود. او در آخرین ملاقات نیز فهرستی از ما یحتاج سازمان را تهیه نموده بود که در زمان دستگیری به دست مأموران افتاد. (۵)

*واکنش‌ها به دستگیری سعادت

با افشای دستگیری سعادت توسط سازمان مجاهدین انقلاب و به نتیجه نرسیدن لابی‌های محرمانه، سازمان مجاهدین خلق از ۲۵ خرداد ۵۸ تا ۹ تیرماه آن سال بیش از ۷ اطلاعیه در حمایت از وی صادر نمود. در ادامه جوسازی‌ها در مسیر رسیدگی به این پرونده، در تیرماه ۵۸ اطلاعیه ای با امضای ۴۲ تن از شاعران و نویسندگان چپگرا از جمله احمد شاملو، سیمین بهبهانی، گلی ترقی و... منتشر شد و در حالی که خود سعادت و سازمان ارتباط با شوروی را پذیرفته بودند، او را «گروگان آزادی در چنبر

تهدمت‌ها و افتراهای مرموز» خواندند و از این «عضو سازمان مترقی! مجاهدین خلق» به سالک طریق عشق یاد کرده و خواهان آزادی او شدند.

همزمان جمعیت حقوقدانان نیز که در کنترل نیروهای مارکسیست مشرب بود، با ارسال نامه ای به وزیر دادگستری نسبت به شکنجه سعادت‌ی گلایه کرده و در سناریوی جدیدی او را نه خائن بلکه نگهدارنده اسرار و اسنادی از روابط پشت پرده سازمان‌های جاسوسی غرب برای سازمان معرفی نمودند.

سعادت‌ی خود نیز در نامه ای به دادستان کل، خواستار حضور نماینده‌ای از سازمانش شد اما به رغم اشتراک این پیشنهاد از سوی گروه‌های مختلف، سازمان نماینده خود را به دادگاه وی نفرستاد تا از پیگیری قضایی و بررسی ماهوی موضوع امتناع نماید. در پی اعتراض مردم به مواضع سازمان در ۱۷ تیرماه در مشهد، اولین تیراندازی اعضای سازمان به سوی مردم انجام شد که اگرچه تلفاتی نداشت اما نشان از آغاز رو در رو قرار گرفتن سازمان با نظام و ملت داشته امری که در ۳۰ خرداد ۶۰ به اوج خود رسید. (۶)

*سرانجام سعادت‌ی چه شد؟

پس از بازجویی‌های متعدد روابط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی مرکز روز ۲۴ آبان ۵۹ اعلام کرد: «بدین وسیله به اطلاع مردم مسلمان و مبارز می‌رساند پرونده اتهامی آقای سیدمحمدرضا سعادت‌ی عضو کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران به اتهام داشتن رابطه با جاسوس شوروی در دادگاه ویژه انقلاب اسلامی مرکز تحت رسیدگی قرار گرفت و متهم به ۱۰ سال زندان محکوم شد.» (۷)

برنامه‌ریزی سازمان با انفجار ۷ تیر تکمیل شد که در آن، آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران نظام و انقلاب به خاک و خون کشیده شدند. همزمان با این اقدام که توسط رابطین سازمان پیشتر به اطلاع اعضای زندانی آن رسیده بود، برنامه‌ریزی شورش در داخل زندان توسط سعادت‌ی صورت گرفت و پس اعلام خبر انفجار حزب جمهوری اسلامی، تعدادی از هواداران و اعضای مجاهدین در زندان با شنیدن این خبر شروع به خواندن سرود و پایکوبی کردند و جو زندان را ملتهب کرده و به هم ریختند.

آیت الله گیلانی و شهید لاجوردی آنها را به محوطه زندان اوین آوردند و به صحبت و نصیحت آنها پرداختند که در این مرحله افجه‌ای طبق برنامه‌ریزی قبلی و با هدایت سعادت‌ی از موقعیت خود در میان نگهبانان زندان سوء استفاده کرده و اسلحه‌ای را از نگهبانی گرفته و به سوی محوطه خیز برمی‌دارد تا آقایان گیلانی و لاجوردی را ترور کند.

کاظم افجه‌ای به دلیل فعالیت در سازمان مجاهدین خلق و ضدیت با جمهوری اسلامی دستگیر و در زندان به سر می‌برد که شهید کچویی با او به بحث نشسته بود و او نیز وانمود می‌کرد که معقول شده است و توانسته بود تا حدی اعتماد مسئولین و نگهبانان زندان را جلب نماید. به دنبال خیز افجه‌ای برای ترور، شهید کچویی متوجه رفتار وی می‌گردد و به سوی او می‌رود که با شلیک

افجه‌ای به شهادت می‌رسد و او فرار کرده و از آنجا که به ورودی‌ها و خروجی‌های زندان آشنا بوده است، خود را به پشت بام ساختمان اداره زندان‌ها (دادستانی) رسانده و از آنجا خودش را پرتاب می‌کند که در اثر سقوط کشته می‌شود.

افجه‌ای در کنار مسعود رجوی

همزمان با ترور شهید کجویی در هشتم تیرماه، بر خلاف تحلیل سازمان که گمان می‌کردند با انفجار حزب جمهوری اسلامی، نیروهای حزب‌اللهی مرعوب می‌شوند و عناصر آنها فرصت کودتا می‌یابند و عناصر زندانی نیز با این شورش آزاد می‌گردند، فضا علیه منافقین تشدید شد و مردم در خیابانها به راهپیمایی و عزاداری پرداختند. در همین روز بود که همزمان با شورش سعادت‌ی از داخل زندان چندین ماشین اسلحه غیر مجاز که توسط اعضای سازمان در خیابانهای تهران تردد می‌نمودند، شناسایی شد.

شهید محمد کجویی

با شکست این طرح و کشته شدن کاظم افجه‌ای، مهدی آسمان‌تاب به برنامه‌ریزی قبلی برای ترور مسئولین دادستانی و طرح آشوب در زندان اقرار می‌کند و با توجه به اقرار سعادت‌ی و دیگر اسناد بدست آمده، نقش سعادت‌ی در این ترور از سوی دادگاه قطعیت می‌یابد و در مردادماه ۶۰ به اعدام محکوم می‌شود. (۸)

پی نوشت:

۱- <http://www.rouzshomar.ir/>.D۹%.۸۵%.D۸%.AD%.D۹%.۸۵%.D۸%.AF-%.D۸%.B۱%.D۸%.B۶%.D۸%.AY-%.D۸%.B۳%.D۸%.B۹%.D۸%.AY%.D۸%.AF%.D۸%.AA%.DB%.۸C-%.D۹%.۸۸-%.D۸%.AY%.D۹%.۸۸%.D۹%.۸۴%.DB%.۸C%.D۹%.۸۶-%.D۹%.BE%.D۸%.B۱%.D۹%.۸۸%.D۹%.۸۶%.D۸%.AF%.D۹%.۸۷-%.D۸%.AC%.D۸%.AY%.D۸%.B۳%.D۹%.۸۸%.D۸%.B۳%.DB%.۸C-%.D۸%.AF%

۲- سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، ج ۲، ص ۴۲۳

۳- <http://www.tarikhirani.ir/fa/events/۳/EventsDetail/۴۴۱/>

۴- سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، ج ۲، ص ۴۲۰.

۵- همان، ص ۴۲۵.

۶- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۵۱۱۰۰۰۲۱۱>

۷- <http://www.tarikhirani.ir/fa/events/۳/EventsDetail/۴۴۱/>

۸- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۵۱۱۰۰۰۲۱۱>

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariqh.com/news/31890/كسى-اسلامى-انقلاب-پيروزى-نفوذى-اولين/>